###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**فنون و روش های کلی تدریس در نظام آموزشی**

فهرست مطالب

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان | **صفحه** |
| فصل اول: تعاريف و مفاهيم |  |
| مفهوم فنون تدريس و تعاريف آن |  |
| شرايط مربي از نظر قوانين موثر در تدريس |  |
| وظايف عمومي مربيان از ديدگاه سازماني |  |
| تعريف مطالعه و روش هاي آن |  |
| فصل دوم: آيين كلاس داري |  |
| هدف از بررسي آيين كلاس داري |  |
| نقش انگيزه |  |
| نقش انضباط و كنترل |  |
| بحث انضباط شخصي و تاثير آن در كلاس داري |  |
| فصل سوم: روش هاي كلي تدريس در نظام آموزشي |  |
| روش هاي فعال و غير فعال و قوانين اثر و نتيجه |  |
| هدف هاي آموزشي |  |
| مهايت هاي فرايند تدريس |  |
| الف) مهارت هاي پيش از تدريس- تعريف استاندارد- آشنايي با طرح درست و فوايد آن و فرم |  |
| ب) مهارت هاي بپمن تدريس: 1- تنظيم صدا و حركات فيزيكي مربي 2- حفظ شخصيت و احترام مربي 3- فروتني و ادب 4- بيان كافي مطالب درسي 5- اجتناب از ارائه مطالب غير درسي 6- اجتناب از اختلاط موضوعات 7- كيفيت بيان مطالب |  |
| بررسي فنون عرضه شده به كارآموز و بيان مطالب |  |
| ارجاع اطلاعات كافي براي كارآموز |  |
| انتظاراتي كه كارآموز از مراكز فني و حرفه اي دارد: |  |
| تقاضا و نيازهاي عمومي و كلي در پداگوژي و نحوه برخورد با ديگران |  |
| طريق شناخت افكار و استعدادهاي افراد |  |
| مهارت هاي پس از تدريس |  |
| فصل چهارم: كليات روش هاي تدريس |  |
| 1- روش هاي تدريس غير فعال- شيوه مكتبي- شيوه توضيحي- شيوه سخنراني  |  |
| 2- روش هاي تدريس فعال- شيوه پرسش و پاشخ- شيوه بحث- شيوه اكتشافي |  |
| 3- شيوه يا روش اكتشافي و روش حل مسائل |  |
| 4- شيوه يا روش اكتشافي و روش حل مسائل |  |
| بحث پاياني |  |
| منابع و مأخذ مورد استفاده |  |

تعريف فرستنده يا مربي

مربي شخصي است كه اطلاعات علمي پراكنده را متناسب با استاندارد رشته آموزشي خود تنظيم كرده و با شيوه هاي مناسب آن را به صورت مطالب ساده و قابل درك براي كارآموز تبديل و با سرعت مناسب و در سطح استعداد او انتقال مي دهد.

حال با توجه به تعريف مربي مي توان فرق بين مربي با كتاب را مقايسه و درك نمود. يعني اينكه كتاب آنچه را كه در خود دارد چه سخت باشد و چه آسان، بدون توجه به اينكه كارآموزي كه آنرا مطالعه مي كند مي فهمد يا نه مطالب را انتقال مي دهد، ولي مربي اطلاعات كتاب را درك و مطالب سخت و نامفهوم را همانند فيلتري به كنار گذاشته و جايگزين آن مطالب ساده تر و قابل درك و فهم كارآموز به كار مي برد.

شرايط مربي از نظر قوانين موثر در تدريس

1. داشتن علاقه به رشته آموزشي خود
2. داشتن صبر و حوصله در جهت انتقال اطلاعات
3. تسلط كامل به علوم فني مورد نياز
4. توانايي ايجاد نظم و انضباط در محيط آموزشي
5. داشتن فن بيان مناسب
6. توانايي ايجاد روابط خود و صميمي با كارآموزان

در چه شرايطي مربي مي تواند اطلاعات علمي خود را به كار آموز موثرتر انتقال دهد؟

1. كارآموز به او اطمينان و اعتبار را در نظر داشته باشد.
2. داشتن نظم و انضباط در كلاس آموزش.
3. داشتن فن باين تن صداي مربي بسيار تاثير گذار است.
4. توجه كردن مربي به افراد كم توجه و يا بي توجه.
5. توجه به سطح اطلاعاتي كارآموزان و ميزان استعداد و توانايي آنها.
6. پرهيز از ايجاد سدهاي ارتباطي.
7. از نظر (مادي- معنوي- امنيت شغلي و ايمني) تامين باشد.

كارآموز در چه شرايطي مفاهيم آموزشي را بهتر درك مي نمايد؟

1. داشتن علاقه و انگيزه و شناخت و درك علت فراگيري رشته آموزشي.
2. فراهم بودن عوامل رفاهي (نور- گرما- سرما- صدا- زاويه ديد كارآموز نسبت به مربي و كلاس به صورتي قرار گيرد كه همه شاگردان قادر به ديدن و شنيدن حرفهاي او باشند)
3. نياز بازار كار به حرفه آنها.
4. آمادگي روحي و جسم و داشتن استعداد اوليه
5. برخورد مناسب استاد.
6. توضيح كامل و توجيه در مورد برنامه يا رشته آموزشي

در نظام فنون تدريس به دو عامل مهم آموزش تئوري و هم عملي توجه بيشتري شده است و تاكيد هميشه در تلفيق انها بوده است، چرا كه باعث مي شود خواسته هاي بيان نشده را در تئوري بتوان در علم بيان نمود و مسائل را با ديدي بازتر و ملموس تر به مشاهده كارآموزان گذارد.

# وظايف عمومي مربيان از ديدگاه سازماني

1. **تقويت و پرورش قوه تفكر در كارآموزان:**

برداشتي كه اكثر ما از تفكر داريم و كم و بيش در جامعه ما رواج دارد يك برداشت صد درصد صحيح و بدون اشكال نبوده. لذا بايد ابتدا معناي صحيح آن روشن شود تا درباره تقويت و قدرت بخشيدن آن در افراد به طور صحيح گام برداريم.

اصولا زماني بانسان بهتفكر مي پردازد كه با مشكل و مسئله مهمي برخورد كند. و يا مطالبي را به خاطر آورده باشد. با اين تعريف مشخص مي شود كه انسان به تفكر نمي پردازد و نمي انديشد مگر در هنگامي كه دچار مشكلي گردد و احتياح به كار و تلاش يكي از عوامل مهم در امر تفكر و رسيدن به هدف است.

**2-ايجاد تفكر عملي:**

معمولا اينگونه تفكر در مسائل روزمره و عادي جريان دارد و بيشتر براي تنظيم كار و وظايفي كه در قبال آن مسئوليت دارد معطوف مي شود.

4- ايجاد تفكر خلاق:

در اينگونه تفكر بيشتر به مسائل و مشكلاتي كه حل آن مشكل بوده و نياز به تلاش فكري بسيار نياز دارد پرداخته مي شود و در اين راستا براي حل مسائل مشكل راه حل هاي جديد كشف مي گردد و معمولا در اينگونه انديشه و تفكر است كه به اختراعات بسيار مهم مي انجامد. آنچه مد نظر است دقت نظر به تعاريف ياد شده تفكر خلاق است كه بايد مورد توجه قرار گيرد و همه مربيان و مسئولين در اين رابطه تلاش كنند.

اما آنچه ما در مراكز آموزش و پرورش و تمام مراكز آموزشي شاهد و ناظر آن هستيم غير از آن چيزي است كه بايد مورد توجه قرار گيرد. و با يك بررسي بسيار سطحي متوجه خواهيم شد كه مراكز آموزشي ما با اتخاذ روش هاي خشك و بي روح و طبق يك عادت ديرينه مشغول به كار هستند و از هرگونه راه حل جديد كه از ناحيه دانشجو بخواهد ارائه شود مخالفت مي ورزند و با ايجاد يك محيط انضباطي سخت موجب ركود هرگونه تفكر تازه مي شوند و اين تفكر در همه مراكز آموزشي سايه نيفكنده. اما بايد توجه داشت كه اينگونه روش ها هيچگونه پيشرفت و ترقي را به همراه ندارد.

حتي ساكت كردن دانشجويان درمحيط آموزش، مجبور كردن آنها به پذيرفتن مطالبي كه ازناحيه استاد بيان مي شود يك نوع ارزش و نشانه اداره خوب كلاس شمرده مي شود. بايد به اين نكته توجه داشت كه انتقال فراوان مفاهيم علمي و تمرين هاي تكراري هرگونه فرصت انديشيدن را از دانشجو سلب مي كند و آنچه سبب پيشرفت و تعالي هر انساني مي گردد همان ايجاد فرصت هايي براي انديشيدن است. در اينجا بايد شرايط انديشيدن را براي دانشجويان فراهم منايد و دانشجويان بايد با انديشيدن به شناخت صحيح دست يابند و اين شناخت علمي صحيح آنان را به باور تثبيت شده برسانند. در اثر ايجاد باور تثبيت شده است كه گرايش به سوي عمل تحقق مي يابد و در نهايت به انجام عمل منجر خواهد شد.

4- ايجاد يگانگي و حس همكاري:

ايجاد حس همكاري و تعاون در كاراموزان را مي توان يكي از محرك هاي اصلي پيشرفت در تمام ابعاد كارآموز دانست. به وسيله تعاون وهمكاري مي توان فرصت هايي را براي ارتباط متقابل اجتماعي و رواني و نهايتاً تكامل افراد ايجاد كرد. با ايجاد حس همكاري است كه خواسته هاي افراد آشكار شده و قابليت هاي آنان بعنوان عضوي از جامعه نمودار مي گردد. اب ايجاد حس همكاري مي توان پيشرفت و تكامل كارآموز را سرعت بخشيد. در اين رابطه با بررسي هائي كه انجام گرفته است عوامل موثر در ايجاد يگانگي و انسجام در سه مورد خلاصه كرد.